

روح القدس کیست؟ درس ۴: سکونت در درون دکتر سینکلر بی. فرگوسن

شما حتماً به یاد دارید که هدف ما در این سری از مطالعات و درس‌ها، رسیدن به شناختی بهتر از روح القدس هست. پس در وهله‌ی نخست، به عطایای روح القدس و روشی که در خدمت و پرستش مسیحی از اونا استفاده می‌شه، کاری نداریم. الآن واقعاً نمی‌خواهیم به قدرت روح القدس و کارهای شگفت‌آور قدرت روح القدس، فکر کنیم. ما داریم تلاش می‌کنیم تا راهی برای پاسخ دادن به این پرسش مهم، پیدا کنیم که: «روح القدس کیست؟»

دلیلش اینه که حتماً خاطرتون هست که چون فرض رو بر این قرار می‌دیم که خیلی‌ها با کار روح القدس در زندگی یک فرد ایمان دار آشنا هستن، به همین جهت، در اصل، تمایل دارن که در تفکر به روح القدس، خودمحو باشن. آنچه نیاز هست تا پیش از تفکر کردن به روش‌های اعجاب‌انگیز کار روح القدس در زندگی‌های خودمون بدونیم، اینه که حقیقتاً روح القدس رو به خوبی بشناسیم. برای همین که پولس در دعای برکتی که در رساله‌ی دوم به قرنتیان ۱۳ : ۱۴، می‌کنه، درباره‌ی مشارکت و مصاحبت روح القدس، می‌گه. آیا ما با روح القدس، مشارکت و انس داریم؟ آیا اونا می‌شناسیم و اونا دوست داریم و بهش اعتماد می‌کنیم و اونا تکریم می‌کنیم و جلال می‌دیم؟

حالا یکی از اشتباهاتی که گاهی می‌کنیم، اینه که اگر کلام مقدس خدا رو به خوبی بدونیم، اصرار داریم که بگیم عیسی تعلیم داده که وقتی روح القدس میاد، پسر رو جلال می‌ده. روح القدس، خودش رو جلال نمی‌ده. اما نباید از این تعلیم، برداشت نادرستی بکنیم. پسر اومد تا پدر رو جلال بده. ولی چون جلال رو به پدر می‌ده، ما پسر رو جلال می‌دیم. به همین ترتیب، وقتی درباره‌ی روح القدس فکر می‌کنیم، اگرچه روح القدس بر عیسی خداوند، می‌تابه، دلیل دیگری هم هست که ما به عنوان یک مسیحی باید روح القدس رو دوست داشته باشیم، بهش اعتماد کنیم، اونا پرستش کنیم، تمجید کنیم و جلال بدیم.

فکر می‌کنم اگر به برخی از سرودهایی که می‌خونیم و روش‌هایی که در کلیسا، پرستش می‌کنیم، بیش‌تر تأمل کنیم، می‌بینیم که توجه زیادی به جلال دادن و شناخت پدر و جلال دادن و شناخت پسر هست. اما تعداد اندکی از سرودهای ما می‌گن که چه‌طور روح القدس رو بشناسیم و جلال بدیم. پس علاقه و دراصل، اشتیاق ما در این درس‌ها و به‌ویژه در این حوزه اینه که از کلام مقدس خدا، بیش‌تر درباره‌ی روح القدس، یاد بگیریم و اونا بهتر بشناسیم. یک متن عالی از

عهد عتیق هست که باید بر قلب هر ایمان‌دار مسیحی و به‌ویژه بر قلب هر کسی که آموزه‌های مسیحی رو مطالعه می‌کنه، نوشته شده باشه.

مطمئنم همه این آیه رو می‌دونین - کتاب تثنیه ۲۹: ۲۹. حفظ کردنش خیلی ساده هست - ۲۹: ۲۹. اون‌جا که موسی می‌گه: "اسرار به خداوند خدای ما تعلق دارد، اما آنچه بر ما آشکار گشته است، برای همیشه به ما و فرزندانمان تعلق دارد تا از همه‌ی آن‌ها پیروی کنیم." چیزهای زیادی درباره‌ی خدای تثلیث هستن که اگر خود خدا به ما بیان نمی‌کرد، نمی‌تونستم اونا رو درک کنیم. جنبه‌های زیادی از رابطه‌ی لذت‌بخش بین پدر و پسر و روح‌القدس هست که جزو اسرار هستن.

می‌شه گفت این مال ما نیستن و نمی‌تونیم در اونا سرک بکشیم. چیزهایی که شاید در جلال ببینیم، باید در آینده مشاهده بشن. ولی چیزهای پنهانی وجود دارن. آنچه باید توجه خودمون رو بهشون معطوف کنیم، چیزهایی هستن که بر ما مکشوف شدن، چراکه ما اعتقاد داریم که خدا خود رو همون‌طور که هست؛ آشکار می‌کنه. و برای همین، وقتی به مکاشفه‌ی خدا از خودش، یعنی پدر و پسر و روح‌القدس، نگاه می‌کنیم، از کلام مقدس خدا متقاعد می‌شیم که خدا واقعاً کیه.

این ممکنه همه‌ی چیزی نباشه که ما تا حالا می‌تونستیم درباره‌ی خدا بفهمیم. این قطعاً همه‌ی چیزی نیست که خدای تثلیث درباره‌ی خودش و رابطه‌ی درونی خودش یعنی بین پدر و پسر و روح‌القدس می‌دونه. ولی اگر ما می‌خواهیم درباره‌ی هویت خدا بدونیم و به‌ویژه روح‌القدس رو بشناسیم، باید چشمان خودمون رو به مکاشفه‌ای بدوزیم که خدا از خودش در کلام مقدسش به ما عطا فرموده. ما می‌خواهیم بیش‌تر یک متفکر کتاب‌مقدس باشیم تا این‌که یک متفکر اندیشه‌گرا باشیم. مطمئنم که خیلی از ماها نوعی از گفت‌وگو رو با یک غیرمسیحی داشتیم که می‌گه: «روش فکری من درباره‌ی عیسی، اینه که...» یا می‌گه: «من دوست دارم فکر کنم که خدا...»

و معمولاً ما هم دوست داریم با این اشخاص، مدارا و مامشات کنیم، ولی حقیقت موضوع اینه که روش فکری اونا درباره‌ی عیسی و خدا، مطلقاً بی‌معناست. تنها پرسش درست، اینه: «ذات خدا چیه و خدا چه‌طور خودش رو مکشوف فرموده؟» و برای همین، می‌تونیم بگیم که ما زندگی‌نامه روح‌القدس رو دنبال می‌کنیم. یعنی این‌که روح‌القدس چه‌طور از همون ابتدای کلام مقدس خدا خودش رو در آفرینش، مکشوف می‌کنه. چه‌طور در عهد عتیق و دوران پیمان قدیم، خودش رو آشکار می‌کنه و به آینده و به خداوند عیسی، اشاره می‌کنه.

و البته بعدش یعنی در عهد جدید؛ روح القدس به‌گونه‌ای متعالی و فاخر، خودش رو در عیسی خداوند؛ آشکار می‌کنه. درست همون‌طور که عیسی راه دسترسی به شناخت خدای پدر هست – یعنی ما نمی‌تونیم خدای پدر رو جدا از عیسی بشناسیم – هم‌چنین عیسی راه دسترسی به شناخت روح القدس هست. و قبلاً دیدیم که در زندگی و خدمت عیسی، چهار موقعیت هست که روح القدس، به‌گونه‌ای خاص و روشن، در جسم گرفتن عیسی و کودکی اون، خودش رو بر ما آشکار می‌کنه.

و بعدش عرض کردم که دومین صحنه‌ای که روح القدس خودش رو در زندگی عیسی آشکار می‌کنه، در تعمید و وسوسه شدن‌های عیسی هست. می‌دونیم که تعمید و وسوسه شدن‌های عیسی به روایت‌های مختلفی در انجیل‌های متی و مرقس و هم‌چنین لوقا، ثبت شده. می‌خوام به‌طور خاص بر چیزی که لوقا می‌گه، تمرکز کنیم. همه‌ی اون نویسندگان، برای ما با تأکید، روشن کردن که در تعمید عیسی، معلوم شد که خدا سه شخص هست، نه یک شخص که خودش رو از سه روش مختلف؛ آشکار کنه، این تعلیم غلط هست، که از سده‌های نخست مسیحیت، به‌عنوان مودالیسم، مشهور بوده. این باور غلط می‌گه خدا یکبار خودش رو به‌عنوان پدر، مکاشفه کرده و بعدش تموم شده. بعد یکبار دیگه خودش رو به‌عنوان پسر، مکاشفه کرده و بعدش تموم شده. و یکبار دیگه خودش رو به‌عنوان روح القدس، مکاشفه کرده. بعضی از ماها به شوخی می‌گیم این مشابه دیدگاه هنرپیشه‌ی مشهور، پیتر سلرز درباره‌ی خداست. اگر فیلم‌های اونو دیده باشین، یکبار با یک چهره، یکبار با یک چهره‌ی دیگه و یکبار با یک چهره‌ی متفاوت، ظاهر می‌شه، ولی همه‌شون همون پیتر سلرز هستن.

سه‌تا پیتر سلرز نیست. یک پیتر سلرز هست. گاهی در این نقش هست و گاهی در یک نقش دیگه. ولی در تعمید عیسی، ما چی رو می‌بینیم و می‌شنویم؟ می‌بینیم که یحیا تعمید دهنده، عیسی رو در مقام پسر خدا، تعمید می‌ده. صدایی رو از آسمان می‌شنویم که صدای عیسی نیست که می‌گه: «اینست پسر من...» و می‌بینیم که روح القدس به شکل یک کبوتر، بر عیسی خداوند، نازل می‌شه. سه شخص الهی، که از ابتداء باهم در واقعه تعمید خداوند ما عیسی مسیح، باهم مشارکت و مصاحبت دارن.

خب از خیلی روش‌ها می‌شه به تعمید عیسی فکر و نگاه کرد، اما من می‌خوام فکر کنیم که روح القدس در این‌جا چه چیزی رو درباره‌ی اون تعلیم می‌ده؟ اول از همه، نوعی بازتاب رو شاهد هستیم، آیا این بازتابی از آنچه در آفرینش، رخ داد، نیست؟ در کتاب پیدایش ۱ : ۲، نوشته: "روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت." و به‌همین دلیل، اگر شما یک دانش‌جوی دوره‌ی الهیات

عهد عتیق باشین و به این موضوعات، تفکر کنین، حتماً پشت پرده‌ی این موضوع، عیسی رو در تعمید آب و نزول روح القدس رو هم‌چون یک کبوتر بر عیسی می‌بینین.

ممکنه با خودتون فکر کرده باشین که: «این موضوع، یک‌جورایی با آفرینش اولیه، ارتباط داره». و البته که همین‌طور هست. جالبه که در اون متن و در انجیل لوقا، می‌بینیم که لوقا نسب‌نامه‌ی عیسی رو ارائه می‌کنه. جای خیلی عجیبی برای گفتن این موضوع، هست. این‌طور نیست؟ اگر بخواهین زندگی‌نامه‌ی کسی رو بنویسین، نیازی نیست که به ۳۰ سال زندگی اون پردازین و بعدش بگین: «اوه، فکر می‌کنم فراموش کردم درباره‌ی شجره‌نامه‌ی اون شخص بگم.»

معمولاً طوری بیان می‌کنین که متی نقل کرده، یعنی درست در آغاز کتاب. نکته‌ی جالب در مورد انجیل لوقا و نسب‌نامه‌ی ذکر شده در این انجیل، اینه که لوقا دودمان عیسی پسر خدا رو پی می‌گیره و تا نخستین انسان، یعنی آدم، بررسی می‌کنه. متوجه هستین که لوقا به چه سرنخی اشاره داره؟ لوقا سرنخی رو در این حقیقت، جست‌وجو می‌کنه که آنچه ما الآن در روی‌داد تعمید آب عیسی می‌بینیم، همون‌طور که روح خدا سطح آب‌ها رو فرو گرفت و بعدها عیسی وارد خدمتش می‌شه، چیزی کمتر از این نیست که خدا، آفرینش تازه‌ای رو به قدرت روح القدس، آغاز می‌کنه.

یادتون هست که بعدها در رساله‌ی دوم پولس به قرنتیان ۵ : ۱۷، پولس رسول می‌گه: "پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است..." "خدا آفرینش تازه‌ای رو آغاز کرده. و درست همون‌طور که روح القدس در کار آفرینش نخست، سهیم بود، حالا هم در آفرینش تازه، سهم داره. ولی قبلاً در درس‌های گذشته، چیز دیگری رو دیدیم، یعنی آمدن روح القدس، قرار گرفتن بر آب‌های رود اردن، یعنی همون‌جایی که عیسی تعمید آب گرفت و به‌صورت کبوتر، بر عیسی نازل شد. مثل یک کبوتر.

خب، آیا این چیزی رو یادتون میاره؟ آیا داستان نوح رو به‌خاطر شما نمیاره؟ نوح که مردم باور داشتن که در اون می‌تونن رهایی از مشکلات و آزادی از بار گناهانشون رو پیدا کنن. شاید فکر می‌کردن نوح همون منجی هست که در کتاب پیدایش ۱ : ۳، وعده‌ی آمدنش داده شده. و یادتون هست که نوح وقتی دید که کبوتر از آرامی در زمین خشک برگشت و خبر داد، از کشتی که خدا اونو رو در اون پناه داده بود؛ پیاده شد. و تقریباً مثل یک تصویری هست که به‌یاد دارین. هرکس اون صحنه رو دید و فهمید و درک کرد، احتمالاً داستان رو از دلش متوجه شد. یادم میاد زمانی بود که با بچه‌هامون با کارتهای نقاشی شده داستان‌های کتاب مقدس، بازی می‌کردیم؛ یکی از اونا همیشه می‌خواست داستان نوح رو براش تعریف کنم. اونا این داستان

رو یاد گرفته بودن. و این‌جا هم خدا داره به انسان، یاد می‌ده که قراره در عیسی چه اتفاقی بیفته که امیدی که مردم زمان نوح از دست داده بودن، حالا داره در کسی تحقق پیدا می‌کنه که خودش قراره مزه‌ی تلخ داوری خدا رو در تعمید راستین و نهایی در صلیب، تجربه کنه.

روح خدا بر عیسی اومد تا بهش کمک کنه تا این مأموریت و خدمت رو انجام بده. ولی این‌جا چیز دیگری هم هست، درست می‌گم؟ در رود اردن، یک نکته‌ای هست که برای مردم، اهمیت داره، این‌طور فکر نمی‌کنین؟ قوم خدا از همین رود اردن، گذر کردن و به دنبال صندوقچه‌ی عهد رفتن و به سرزمین موعود، وارد شدن. و خدا از همون ابتداء بهشون آموخت که این سرزمین موعود که در اصل، مال خود اونا بود، تنها یک نماد از سرزمینی بزرگ‌تر، یعنی تمام دنیا بود که مسیحای موعود خدا، قرار بود به میراث ببره.

و بنابراین، در این‌جا حالا برای عیسی که در رود اردن هست، این یک تصویر از روح‌القدس هست که بر عیسی نازل می‌شه. این عیسی همون کسی هست که در واقع باید قوم رو به سرزمین آرامش، راهنمایی کنه و به جلال نجات و رستگاری هدایت کنه. و بنابراین عیسی طبق گفته‌های انجیل‌ها، حالا با روح‌القدس، مسح می‌شه. خدا تصویری از این روی‌داد رو در کلام مقدّسش در عهد عتیق، به ما داده. نه تنها تصویری در آفرینش و تصویری در روی‌داد نوح و تصویری از ورود قوم به سرزمین موعود، بلکه خدا هم‌چنین افرادی رو انتخاب می‌کرد که در عهد عتیق، با روغن، مسح می‌شدن و این نمادی از مسح خدا بر انسان‌ها با روح خودش برای خدمتی خاص بود.

در اون زمان، از بین افراد قوم، عده‌ای در مقام پیامبران و کاهنان و شاهان وجود داشتن. به پیامبران، امتیاز دانش اسرار خداوند و درمیان گذاشتن اون اسرار با قوم، داده شده بود. کاهنان، افتخار ورود به حضور خدا و قربانی کردن و دعا کردن برای قوم رو داشتن. پادشاهان از مزیت مسح برخوردار بودن تا بتونن بر قوم، حکمرانی کنن. و زمانی‌که عیسی از طریق روح‌القدس به دنیا اومد و بعدها در رود اردن، تعمید آب گرفت، اون وقت دیگه برای به‌عمل آوردن حقیقی این سه خدمت و مأموریت، مسیح شده بود.

عیسی پیامبر و نبی خدا بود تا وقتی مردم به حرفای اون گوش می‌دن، صدای خدا رو بشنون. عیسی کاهن خدا بود تا وقتی خودش رو بر صلیب جلجتا به خدا تقدیم کرد، خدا اون قربانی رو به‌عنوان کفّاره‌ی گناهان قوم خودش بپذیره. عیسی پادشاه خدا بود. چون کسی بود که مسح شده بود تا نه تنها بر قوم خودش، حکمرانی کنه، بلکه در نهایت بر تمام زمین، سلطنت کنه. برای همین، وقتی عیسی از تعمید آب در رود اردن؛ بیرون آمد، با روح‌القدس، مسح شد و می‌شه

فهمید که روح القدس که در ۳۰ سال گذشته، همراه عیسی بود، الآن اونیو برای یک مقطع تاریخی، آماده می‌کنه و پیش می‌بره.

درحقیقت یک جریانی به‌ویژه در انجیل لوقا هست که این احساس رو القاء می‌کنه که روح القدس، دست عیسی رو گرفته و بهش می‌گه: «خب عیسی، این راهی هست که باید بری. به من اعتماد کن. در تمام مسائل به من توکل کن و من تو رو برای خدمتی که خداوند تو رو به انجامش فرا خونده، تجهیز می‌کنم.» به‌همین دلیل، اتفاق بعدی که در انجیل‌ها روی می‌ده، وسوسه شدن عیسی هست.

حالا یکی از چیزهایی که برای ما مفید هست، اینه که وقتی این قسمت از روایت انجیل، یعنی انجیل لوقا فصل ۳ رو می‌خونیم، درنگی بکنیم و به خودمون بگیم: «من نباید به این پرسش، پاسخ می‌دادم. تجربه‌ی من، چه‌طور با تجربه‌ی عیسی شباهت داره؟ پیش‌از هرچیز باید اینو از خودم پرسیم که: تجربه‌ی عیسی از چه جهتی، بی‌همتاست؟» چون اگه این کار رو نکنیم؛ درحقیقت، مهم‌ترین بخش از تعمید و وسوسه شدن عیسی رو ندیده گرفتیم و از دست دادیم.

برای همین که لوقا با تأکید می‌گه عیسی به‌وسیله‌ی روح القدس به بیابان برده شد تا شریب، اونیو وسوسه کنه. هرچند مرقس، شرح بسیار مختصری از وسوسه شدن عیسی رو ارائه می‌ده و از واژه‌ی بسیار قوی‌تری استفاده می‌کنه. مرقس از واژه‌ی «پرتاب کردن» استفاده می‌کنه. یعنی به گفته‌ی اون، روح القدس، عیسی رو به بیابان، پرتاب می‌کنه تا شیطان اونیو وسوسه کنه. این واژه، از قدرت زیادی برخوردار هست.

دست خدا با قدرت بر عیسی بود تا توسط شیطان، مورد وسوسه قرار بگیره. این موضوع، حال و هوای کاملاً متفاوتی به وسوسه شدن عیسی می‌ده. وقتی من و شما وسوسه می‌شیم، درواقع، وسوسه به‌طرف ما میاد و ما باید از اون فرار کنیم. اما عیسی زیر قدرت روح القدس، با وسوسه‌ها گلاویز می‌شه. این یکی از دلائلی هست که نویسندگان انجیل‌ها، و به‌ویژه مرقس، برای ما تأکید می‌کنه که عیسی در بیابان بود و درندگان و وحوش بیابان، اونیو محاصره کرده بودن.

خب، وجه تمایز این موضوع چی هست؟ فقط اینه که درحالی‌که آدم در باغ عدن، مورد وسوسه قرار گرفت و درندگانی که رام بودن، دور اون بودن، یعنی مثلاً شیر برای آدم، مثل گربه‌ی خانگی بود، ولی دور عیسی رو حیوانات وحشی بیابان، گرفته بودن، سقوط انسان، تأثیری هولناک بر تمام طبیعت، گذاشته. و عیسی در باغ عدن نیست. اون در بیابان به‌سر می‌بره. و دورش رو

درختان باغ نگر فتن که بتونه از میوه‌های اونا استفاده کنه. به‌جز یکی. پیرامون اون فقط برهوت و بیابان هست.

عیسی برای چهل شبانه‌روز، هیچی برای خوردن نداشت، چون در بیابان، روزه گرفته بود. می‌بینین این‌جا چه اتفاقی داره می‌افته؟ حالا این‌جا روح‌القدس هست که داره عیسی به حسّاس‌ترین بخش خدمتش راهنمایی می‌کنه که عیسی در این روش خارق‌العاده، آن‌چه را که آدم در باغ عدن، انجام داده بود، داره ختی می‌کنه. یعنی گناه خوردن از میوه‌ی اون درخت که دنیا رو به آشوب کشید.

و حالا عیسی دیگه در یک محیطی قرار گرفته که پر از خشونت و سختی هست. و روح‌القدس داره بهش می‌گه: «عیسی، حالا تو با هدایت من و قدرت روح‌القدس، قراره که با دشمن آدم و دشمن تمام بشریت، روبه‌رو بشی و با حالت زار و ناتوان، و در یک محیط پر از تهی‌دستی، گرسنگی و تشنگی و در نهایت وابستگی، بر اون دشمن، به قوت من چیره خواهی شد.» و انجیل می‌گه عیسی این کار رو کرد، برای نخستین‌بار در تاریخ، شیطان، به عیسی پشت کرد و از اون فرار کرد تا بره و دنبال فرصتی بگرده که بتونه دوباره حمله کنه و طالب نابودی عیسی خداوند باشه.

پس این حقیقتاً یک روی‌داد شگفت‌انگیز هست. عیسی که از روح‌القدس، قدرت یافته، بر شیطان غلبه می‌کنه. چرا این موضوع، این قدر عجیب هست؟ البته که خیلی باشکوه هست، چون خود عیسی این کار رو انجام داده. ولی بیابین لحظه‌ای به درون‌مایه‌ی این موضوعی که داریم در موردش مطالعه می‌کنیم، فکر کنین. موضوع، خیلی عالی هست، چون درباره‌ی روح‌القدس، چیزهای شگفت‌انگیزی به ما می‌گه و صمیمیت و نزدیکی خداوند عیسی رو با روح‌القدس، توصیف می‌کنه.

البته نکته همین‌جا هست که الآن موقعیت مناسبی هست که سوآلی مطرح کنیم: «خب این موضوع، چه ارتباطی با من و وسوسه شدن‌های من داره؟» پاسخ اینه که اگه شما یک ایمان‌دار مسیحی باشین، معنای موضوع اینه که همون روح‌القدس که خداوند عیسی رو قادر ساخت تا با شیطان بجنگه. همون روح‌القدس هست که خداوند عیسی به شما عطا می‌کنه تا قدرت پیدا کنین و با شیطان، مبارزه کنین. و این روایت بی‌نظیر که لوقا بیان می‌کنه و اساساً در بخشی از فصل ۳ و فصل ۴ هست به ما چیزهایی عالی درباره‌ی عیسی خداوند می‌گه و هم‌چنین چیزهایی عالی درباره‌ی روح‌القدس می‌گه، ولی هم‌چنین موردی رو هم به ما بیان می‌کنه که همون روح‌القدسی به من و شما عطا شده که در ابتداء به عیسی خداوند؛ عطا شده بود.

وقتی من نوجوان و دانش‌جو بودم، یک کشیش عالی در اسکاتلند داشتیم که عمیقاً روی من حساب می‌کرد و سرمایه‌گذاری کرده بود. یک سرود بود که خیلی دوست داشت ازش نقل‌قول کنه و یک جمله در اون سرود بود که من هنوزم می‌تونم بشنوم که به آهستگی و با لطافت، برای ما جوانان، زمزمه می‌کرد. «به روحی بیندیش که ساکن در توست. چه محبتی از پدر، از آن توست. چه منجی که مرد تا تو را به‌دست آورد. فرزند آسمان؛ چرا نالان و گریانی؟»

این تثلیث بود. این‌طور نیست؟ روح‌القدس، پسر، پدر. ولی اون خط اول سرود رو خیلی با تأکید می‌گفت. «به روحی بیندیش که ساکن در توست.»

وقتی وسوسه می‌شینی، همون روح‌القدس که از طریق عیسی، غلبه کرد، شما رو قادر می‌کنه که چیره بشینی. و دست بر قضا، همون روح‌القدس که عیسی رو به‌عنوان نبی، کاهن و شاه، مسح کرد، به شما قدرت می‌ده تا در مقام یک نبی خدا، کلام خدا رو بیان کنی و به‌عنوان یک کاهن خدا، وارد حضور خدا بشینی و مثل یک قربانی زنده، رفتار کنی. همون‌طور که پولس در رساله به رومیان می‌گه: "... در حیات، سلطنت خواهند کرد... به‌وسیله‌ی مسیح عیسی."

پس وقتی ما درباره‌ی تعمید عیسی و وسوسه شدن عیسی می‌خونیم، پیش از این‌که بپرسیم: «این موضوع، چی رو درباره‌ی من به من تعلیم می‌ده؟»، اینو بپرسین که: «این موضوع، چی رو درباره‌ی خداوند عیسی و درباره‌ی روح‌القدس به من یاد می‌ده تا بتونم این تعلیم رو بسیار فراتر از هرچی تصور می‌کردم، یاد بگیرم؟» «به روحی بیندیش که ساکن در توست.»

خب بیابین خداوند رو برای چنین روحی که در ما هست، شکر کنیم. پدر آسمانی، تو رو شکر می‌کنیم که کلام تو به ما آموخته و ما با تمام دل، باور داریم که همون روح‌القدس که به خداوند عیسی قدرت می‌داد و اونو راهنمایی می‌کرد، همون روح رو خداوند عیسی به‌طور شخصی و شگفت‌انگیزی به ما عطا فرموده و ما اونو با ایمان، دریافت کردیم. دعا می‌کنیم مدد فرمایی تا همیشه وقتی از مصاحبت با روح‌القدس، لذت می‌بریم، به قدرت سکوتش در ما، تفکر کنیم. در نام عیسی دعا می‌کنیم. آمین.